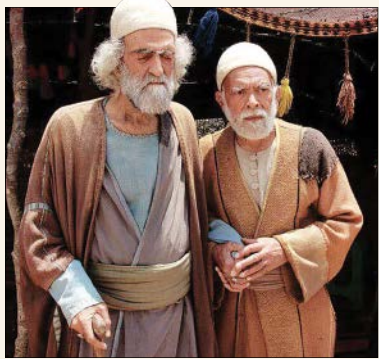


آخرین بازی یک بازیگر

یکی از اتفاقات سریال «آتش و باد» آخرین نقش آفرینی زنده‌یاد کریم اکبری مبارکه است. بازیگر توانمند و بی‌حاشیه‌ای که متأسفانه مانند آنچه در این سریال بر سرش می‌آید، جان به جان آفرین تسلیم می‌کند. این بازیگر فقید که مخاطبان او را بیشتر با نقش آفرینی ابن ملجم مرادی در سریال امام علی به یاد می‌آورند، آبان ۹۹ در حال بازی در سریال آتش و باد، به دلیل ابتلا به کرونا در ۶۸ سالگی دارفانی را وداع گفت. مبارکه در آخرین ایفای نقش خود با کاراکتر «آسد ممد» مقابل دوربین مجتبی راعی قرار گرفته بود.

در قسمت دوازدهم این سریال صحنه مرگ شخصیت آسیدممد با بازی کریم اکبری مبارکه پخش شد و با پایان این قسمت، کارگردان، مدیر صداپردازی و یکی از بازیگران سریال در ویدئویی که قدری پس از مرگ خود مبارکه ضبط شده بود، از حس و حالشان نسبت به این اتفاق سخن گفتند.

مهدی فقیه بازیگر پیشکسوت در این ویدئو گفت: صحبت کردن درباره یک بزرگ، یک هنرمند دلسوخته واقعی تئاتر، سینما و تلویزیون مشکل است. من از دهه ۴۰ با این مرد بزرگ آشنا شدم و کارهایی در حوزه تئاتر و تصویر با هم داشتیم.



محمد مختاری مدیر صداپردازی سریال نیز در سخنانی بیان کرد: او آدم بسیار خوب، صبور و مودبی بود. فکر نمی‌کنم کسی در این جمع یک بار یادش باشد او صدایش را بلند کرده باشد.

مجتبی راعی کارگردان این سریال هم در وصف مبارکه گفت: بعد از حدود ۴۰ روز از رفتن مبارکه هنوز سخت است درباره او صحبت کنم هنوز غصه می‌خورم چرا از کسی مثل او با این سطح توانایی‌ها استفاده نمی‌شد؟! من تصمیم گرفته بودم دیگر او را رها نکنم اما دریغ که رفت.

وی افزود: او آنقدر آرام بود که بچه‌های گروه وقتی با او هم صحبت می‌شدند، آرام می‌شدند و می‌گفتند چقدر آدم خوبی است.

راعی یادآور شد: ما کار را با فشار شروع کرده بودیم و وقتی برای روخوانی و تمرین نداشتیم، بنابراین در برنامه‌ریزی مان مجبور شدیم با سخت‌ترین سکانس کار را شروع کنیم. به دستیارم گفتم کاش از سکانس‌های ساده شروع می‌کردیم و نقش آسیدممد پخته می‌شد و آرام آرام به سکانس‌های پیچیده می‌رسیدیم اما وقتی کار را شروع کردیم او خیلی فوق‌العاده ظاهر شد و من با خودم گفتم او عجب سطح توانایی دارد.

کارگردان آتش و باد با بیان این‌که به هر حال جای خالی او به آسانی پر نمی‌شود، در پایان گفت: در سریال سکانسی بعد از مرگ او داریم که برایش عزاداری می‌شود. فیلمبرداران برای پلان‌ها خیلی انرژی گذاشت و پلان‌های جذابی از آب درآمد من همینطوری گفتم مرگ او در این پلان‌ها چقدر زیبا شده اما هیچ وقت فکر نمی‌کردیم این موضوع جدی شود...



اینفو

یادداشت

گفت‌وگو

گزارش



گفت‌وگو با علیرضا جاویدنیا
بازیگر پیشکسوت و گوینده رادیو

پراز صفا ویکرنگی



مریم کریمی

نویسنده

علیرضا جاویدنیا، گوینده رادیو، تلویزیون و بازیگری متولد سال ۱۳۳۰ است که در ۷۰ سالگی همچنان در کنار دستان پیشکسوت و هنرمندش مشغول اجرا، بازی، داوری و ... است و مانند روزهای جوانی پرشور به کارش ادامه می‌دهد. با او گفت‌وگویی کردیم که می‌خوانید.

۴ چند روزی از آغاز سال گذشته، چه آرزویی برای سال جدید دارید؟

ان شاء... که سال جدید سال نیکویی باشد، گرچه خیلی گرفتاریم و در مضیقه هستیم اما امیدوارم در سال جدید همه اینها رفع شود. مخصوصاً برای کسانی که از آنها آموختم. پر از صفا و یک رنگی باشید و امیدوارم صفا و یک‌رنگی را سرلوحه زندگی مان قرار دهیم.

۴ متولد چه سالی هستید و چطور شد که دعوت داوری در برنامه آورد صدا از رادیو تهران را پذیرفتید؟

من متولد ۱۳۳۰ هستم، بالای ۷۰ سال دارم. به دلیل مسائل و بیماری قلبی ام بعد از چند بار دعوت تهیه‌کننده برنامه آورد صدا، پذیرفتم در کنار استاد بهروز رضوی، داوری برنامه را بر عهده داشته باشم.

۴ با توجه به این‌که داور این برنامه هستید، برنامه آورد صدا را که یک مسابقه استعدادیابی گویندگی است چطور دیده‌اید؟

از آنجا که تهیه‌کننده، برنامه را با حسن نیت تهیه می‌کند جای امیدواری است، اما در بطن ماجرا باید دید هدف این برنامه چیست؟ آیا برنامه‌ای تهیه و تولید می‌شود که یک عده شرکت کنند، امتیاز بگیرند و مخاطبان هم شنونده برنامه باشند؛ این بحثش جداست. اما اگر تکانی به این برنامه بدهیم

که چه کسانی مورد قبول بودند و از بین برگزیده‌شدگان برای شبکه‌های مختلف ورزش، ایران، پیام، تهران و ... نیروی جوان و صداهای تازه و جدید جذب شود اشکال که ندارد یک موفقیت هم هست.

۴ داستان ورود شما به

عرصه گویندگی و بازیگری

و... چیست؟

۵۰ سال پیش من و هم دوره‌ای‌های من در دبیرستان اجساداشتیم. زمانی که من با آقای رضوی وارد سازمان شدیم آن زمان

هم همین‌طور بود، اساتید راه را باز کردند و به ما گفتند بفرمایید؛ چون دیدند اینها حرفی برای گفتن دارند باید جا را باز کرد.

خود من هیچ کلاس و دوره‌ای نرفته بودم.

۴ پس شما از کودکی با استعداد بودید؟

من معتقدم همه چیز باید ذاتی باشد؛ شما خبرنگار خوبی باشید اگر ۵۰ سال هم از کارتان بگذرد باز هم ذاتاً شما پرسشگر خواهید بود و آن حس پرسش و پاسخ و نتیجه‌گیری با شما خواهد بود. هر جا قرار بگیرید چه در حرفه بازیگری، خوانندگی و نقاشی باید این استعداد باشد. این استعداد ذاتی باید همراه شما باشد که اگر نباشد با تقلید صدا، ادا درآوردن، شیک و شکیل خواندن، خوانندگی و گویندگی اتفاق نمی‌افتد. این یک واقعیت در کار هنر است. ما کارمان را شروع کردیم اما از راهنمایی بزرگ‌ترها غافل نشدیم. من در کنار زنده‌یاد منوچهر نوری در برنامه صبح جمعه با شما با تیپ‌های مختلف اجرا داشتم، همه اینها برای من تجربه ارزشمندی بود که در کنار اساتید و دیگر دوستان که در عالم هنر ردپایی داشتند، تجربه کسب کنم.

۴ یک مستند از زندگی شما ساخته شده است، این مستند را دوست داشتید، چه نظری دارید؟

پس از انجام کار تهیه فیلم، کلام و تصویر و... کل مستند یک ساعت شد. حرف من این‌که رادیو ریشه دارد، باید تاکید کنم خیلی قوی‌تر از اینهاست. زمانی که برنامه‌ای برای رادیو تهیه می‌شود باید هدف مشخص باشد. آیا می‌شود زندگی ۵۰ ساله من را در یک ساعت جمع کرد.

۴ در رادیو با توجه به این‌که دومین دوره از جشنواره مستند رادیویی پژوهاک برگزار می‌شود، مستند رادیویی بیشتر باب شده است، به نظر شما یک مستند رادیویی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

هدف باید مشخص باشد. مستند رادیویی با هر موضوعی که باشد باید پشت آن پژوهش باشد، چرا که از یک مستند تاریخی، باید مستند ساز بداند که تاریخ‌ساز است و جایگاه خودش را در بین مردم پیدا می‌کند. با چه دیدی می‌خواهیم نگاه کنیم هدف پشت آن مهم است. مثلاً زمانی که برنامه‌ای تهیه می‌شود باید با توجه به محتوا و مضمون آن گوینده و مجری را انتخاب کرد، ممکن است گوینده آن هر چند قابل باشد اما قابلیت و ویژگی‌های اجرای برنامه را نداشته باشد. شاید مقطعی جواب بدهد اما در طولانی مدت امکان‌پذیر نیست. مستندساز را راحت بگذاریم که کارش را انجام دهد و در کار او اعمال سلیقه نداشته باشیم. اگر زمانی کارش با سیاست‌های رادیو و تلویزیون و... همخوانی نداشت، حق با شماست.

۴ اگر قرار باشد یک مستند خوب بشنوید، دوست دارید چه شاخصه‌هایی داشته باشد؟

اگر قرار باشد مستندی را بشنویم، باید جنس صدا مناسب آن کار باشد. جنس صدای هر کسی مناسب هر برنامه با هر محتوا و مضمونی نیست. در ادامه باید یادآوری کنم که مستند باید با مخاطب ارتباط برقرار کند. مانند یک گوینده یا مجری که باید با شنونده و بیننده ارتباط بگیرد. مثلاً استاد رضوی قطعات ادبی که اجرا می‌کند خیلی شنونده دارد، اما من نمی‌توانم متون ادبی را بخوانم. ممکن است تمام سعی و تلاش را بکنم و کارم را درست انجام دهم و شاید هم در مقطعی کارایی داشته باشد، اما ثمربخش نیست.

